

که چون دختر ندارد، وقتی بمیرد صدای گریه از مراسم بلند نمی‌شود. پسر می‌خواست به دل مادرش عمل کند و برایش گریه‌کن برود. بعضی‌ها هم هستند که دوست و فامیلی اینجا نداشتند و برای خاکسپاری و برگزاری مراسم، دست تنها هستند. مشتری دیگری بود که می‌گفت فردا برای بلند کردن تابوت پدرم، فقط دو نفریم. من و پسر عمویم! آدم ثروتمندی هم بود ظاهراً اما خب، کسی را نداشت.»

گریه‌کن‌ها معمولاً نرخ ثابتی ندارند، بستگی به این دارد که چقدر سر مراسم معطل شوند. اما از نفری ۲۰ هزار تومان تا ۵۰ هزار تومان برای حضورشان در مراسم، دستمزد دریافت می‌کنند. غیر از گریه‌کن، خدمات دیگری هم هست که از سوی مؤسسات برگزاری ترحیم ارائه می‌شود، خدماتی که تا چند سال پیش مرسوم نبودند. نمونه‌اش اجرای برنامه از سوی گروه‌های موسیقی است. این، کاری جدا از مداحی است. گروه‌های موسیقی نی و دف یا نی و کیبورد، با کیفیت و ممتاز. یکی از مجریان این نوع خدمات، بیشتر در این مورد توضیح می‌دهد: «اجرای موسیقی زنده در مراسم، حال و هوای آن را عرفانی‌تر و بار غم مراسم را بیشتر می‌کند. ما با خواننده‌های خوبی هم کار می‌کنیم که تصنیف‌های تأثیر برانگیزی اجرا می‌کنند. بیشتر «هرین ادما» رسول نجفی، «تنها ماندم» اصفهانی و «باران همه رفتند» شجریان را اجرا می‌کنند. اخیراً چند مورد تقاضای «چرا رفتی» همایون شجریان را هم داشتیم. آن هم خیلی خوب است. با حال و هوای مراسم جور درمی‌آید. «خداحافظ» خواجه امیری هم که حرف ندارد. اصلاً آهنگش که شروع می‌شود، صدای قه‌قه‌ق را بلند می‌کند. من خودم این‌ی یکی را از همه بیشتر دوست دارم.»

او ادامه می‌دهد: «چهارهای گروه، لباس یکسر سیاه می‌پوشند و برای مراسم می‌روند. کارشان هم انصافاً خوب است. بیشتر تقاضای گروه موسیقی برای مراسم هفتم و چهلم است. البته درخواست برای ختم و حتی خاکسپاری هم داشته‌ایم اما به نسبت هفتم و چهلم کمتر است. قیمت هم بستگی به این دارد که گروه چند نفر باشد یا اینکه فقط موسیقی زنده اجرا شود و یا خواننده هم در مراسم باشد. گروه دف و نی همراه با خواننده ستنی، ۶۵۰ هزار تومان هزینه دارد و به ازای اضافه شدن هر ساز مثل کیبورد هم، ۱۵۰ هزار تومان به مبلغ فوق اضافه می‌شود. البته این مبالغ برای گروه‌های حرفه‌ای به اصطلاح صدا و سیمایی و خواننده سنتی درجه یک است. ما با گروه‌های درجه ۲ کار نمی‌کنیم اما هستند همکارانی که با گروه‌های ارزان‌تر هم کار می‌کنند که البته نظر مشتری محترم است و ما افتتاح این را داریم که تا به حال مشتری‌ها از کارمان راضی بوده‌اند و سفارش‌مان را به دوستان و آشنایانشان می‌کنند.»

به غیر از اینها البته خدمات دیگری همچون ارائه مشاوره روانشناسی به خانواده متوفی، پرستار کودک و دکتر سرمزار، چاپ کتاب ادعیه و یادبود، چاپ کارت دعوت و... ارائه می‌شود که آن هم بسته به کیفیت‌شان قیمت‌های متفاوتی دارد. آقای ایکس، البته دنبال گروه موسیقی و گریه‌کن نیست و فقط دوست دارد مراسمش آبرومند و تمام و کمال برگزار شود و چیزی کم نباشد. او حتی شعر روی سنگ مزارش را هم سفارش داده: «هر باغ ملکوتی...» چقدر این شعر را دوست دارد. یاد حرف یکی از کارگران بهشت زهرا تهران می‌افتم؛ میانسال بود، با خطوط نسبتاً عمیق در چهره‌ای بی‌نیاهت آرام. با بیل به زمین کوبید و گفت: «این زیر همه مثل منه‌اند. شاه و گدا فرقی نمی‌کند. جای همه‌مان همین یک تکه خاک است.»



مدهای جدید برگزاری مراسم ترحیم

بفرمایید حلوای خودتان را مزه کنید

■ مریم طالتی

سور عروسی ندارد. ماهیچه باقالی پلو باید در دهان آب شود. مثل باقلوا. باقلوا و راحت الحلقوم هم سر میز پذیرایی باشد بد نیست. این‌ها را دیگر خودشان می‌دانند. سنگ تمام می‌گذارند و کاری می‌کنند تا آب در دل مرحوم تکان نخورد؛ حتی همین حالا که زنده است و حی و حاضر، ناظر برنامه ریزی مراسم ترحیم خودش!

دوست دارد مراسم ترحیمش آبرومند برگزار شود. از همان‌هایی که مردم می‌آیند و جای و نسکافه‌شان را با خرمای فرداعلی گردنشان و ترحلوی پر زعفران می‌خورند و گاهی هم با چهره‌ای مغموم، به عکس قاب گرفته متوفی نگاه می‌کنند و زیر لب نج می‌کنند و صد حیف و افسوس می‌گویند. غذای روز خاکسپاری و شب هفت و چهلم هم کمی از

مراسم مرسوم و معمول بود که خانواده متوفی معمولاً خودشان دست به دست می‌دادند و هر کس گوشه کار را می‌گرفت و آنجایی را که لازم بود، به خدمات مجالس می‌سپردند. مرآتی تا به حال خودش به مودی برخورد نکرده که شخص در زمان حیاتش، با مؤسسه قرارداد مراسم ترحیم‌اش را بسته باشد. البته می‌گوید شنیده که این کار را کرده‌اند ولی تعدادش باید خیلی کم باشد و کاری نوظهور است که بعد به نظر می‌رسد مرسوم شود.

البته شاید خیلی از کارهایی که حالا در برگزاری مراسم ترحیم صورت می‌گیرد، تا چند سال پیش همین وضعیت را داشته؛ غیر مرسوم. همین گروه گریه کننده که وقتی سوژه

تعجب نکنید! خیال‌تان هم نرود سمت داستان یک فیلم سینمایی. گرچه آدم را یاد «مادر» علی حاتمی می‌اندازد، آن موقع که برنج و لپه شام مراسم ترحیمش را در سینی بزرگ پساک می‌کرد و سفارشش به بچه‌ها این بود که گوشت قیمه ریز نباشد و وقت غذا گریه و زاری نکنند که میهمان‌ها دلشان ریش نشود. شاید هم منوچهر نودری را یاد کنیم در فیلمی که پیرمرد داستانش تمام مقدمات مراسم ترحیم خودش را آماده و در آن شرکت کرد تا خیالش راحت شود که همه کارها به قاعده و آبرومند انجام می‌شود. حالا، هم صادر، هم حاتمی و هم نودری راستی راستی رفته‌اند اما داستان‌ها، مانده. داستان آقای ایکس اما واقعی است. بگذارید او را! اینچور بنامیم. ۸۲ ساله است. معتمد بازار. بگذارید نگوییم بازار کدام شهر. خودش اینچور راحت‌تر است. می‌داند که وقتی سرش را بگذارد زمین، آنقدر دوست و رفیق و همقطار دارد که هوای کارش را داشته باشند اما فامیل آدم، یک چیز دیگر است. فامیل ندارد. غیر از یک پسر عمه که خودش حال و نایی ندارد و یک گوشه افتاده. بچه؟! یکی یکدانه‌ای هست آن طرف دنیا. کانادا کجا و اینجا کجا؟! اووووه... تا خبر برسد که بایابت مرده و تا بخواد خودش را برساند، شب هفت هم گذشته. آقای ایکس امیدی به آن یکی یکدانه پایا ندارد. مادرش هم که رفت، یک ماه بعد رسید. سن و سال که بالا رفت، دیگر باید هر لحظه منتظر بود. حتماً به این حرف ایمان دارد که اینچور به صرافت انجام مقدمات مراسم ترحیم خودش افتاده است. با یک شرکت قرارداد هم بسته. قرار است یک نفر مباشر، همه کارها را هماهنگی کند. حالا آقای ایکس خوب می‌داند که نوحه خوان سرمزارش چه صدایی دارد و چه سوزناک می‌خواند. طعم حلوای خودش را هم چشیده. عکس میز پذیرایی را هم نشانش داده‌اند. حتی جزئیات تزئینات مراسم را هم می‌داند. آن شمع‌های ظریف سفید که دورشان را گل و روبان مشکی پیچیده‌اند و یک قاب خالی که فقط عکس خودش را کم دارد.

ظاهر امر، غمگین به نظر می‌رسد اما آقای ایکس خودش این‌طور فکر نمی‌کند. می‌گوید: «بالاخره این کار باید انجام شود. چه بهتر که خودم بدانم قرار است چه شود. آدم آبرو دارد دیگر!»

مؤسسه برگزاری مراسم ترحیم گرچه اول کمی تعجب کرده اما وقتی دیده آقای ایکس برای انجام این کار جدی است، پیش پرداخت را گرفته و قرارداد را بسته است. قراردادی که انجام تمامی مراسم پس از مرگ یعنی خاکسپاری، ختم، هفتم، چهلم و سالگرد را دربرمی‌گیرد. ضمانت انجام کار هم، نسخه قرارداد در دست وکیل آقای ایکس است.

مرغ باغ ملکوتم، اما... این کار آنچنان مرسوم نیست. اینکه کسی قبل از مرگ، مقدمات مراسم ترحیم خودش را آماده کند، گرچه مرگ حق است و شتری است که در خانه همه می‌خواهد، اما آدم تا زنده است، دلش در این دنیااست. اینکه بعضی‌ها برای خودشان خلعت از عتبات عالیات می‌آورند و کنج پستو نگه می‌دارند، یک بحث دیگر است و کاری که از قدیم بین برخی‌ها مرسوم بوده اما برگزاری مراسم آبرومند، آنچور که درخور سلیقه متوفی باشد، یک بحث دیگر.

آقای مرآتی، مسئول تشریفات یکی از مؤسسات برگزاری مراسم ترحیم است. اختصاصی کار می‌کنند، فقط ترحیم. قبل ترها اینچوری نبود. خیلی از آنها که کار خدمات مجالس را انجام می‌دادند، هم عروسی برگزار می‌کردند، هم عزا. عزا هم شامل

روستاهای شمال غرب در محاصره برف

بارش سنگین برف در استان های شمال غرب کشور روستاییان را با مشکلات زیادی روبه رو کرده است. درطول چند روز گذشته به‌همکاری راهداری، هلال احمر و سازمان های مسئول ، مسیر بیش از ۱۴۰۰ روستا در این استان ها بازگشایی شد.

فتوگراف



عکس:ها خبرگزاری مهر

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

جدول عادی	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱- مسیر تصمیم‌گیری- محله‌ای در تهران															
۲- خواهش، کام- ناتمام- همراهی با دیگران و تحمل وضع ناخوشایند															
۳- برد معروف- بافنده- ترشو و عیوس															
۴- خرد- اندک- چاپ مسطح- افرادی															
۵- شامل همه می‌شود- خندان و خوشحال- بدبویی															
۶- دلیر- واجب- از مصالح ساختمانی															
۷- نام گاکارین- کاری در زراعت- پارچه زربفت															
۸- همسایه نیوزلند- پول حاصل از صادرات- شاعر یوش															
۹- اولین قوم ایرانی- دانشگاهی ویژه زنان در تهران- نظیر															
۱۰- سفید آذری- مجروح- مرض سر و صدا															
۱۱- مثل- قطعه‌ای در خودرو- عدد هندسی															
۱۲- روز فرآنی- ماه نو- چکاوک- درخت عشاق															
۱۳- دشمن پنی‌را- متضاد مثبت- نظریه‌های مختلف در فلسفه، هنر و غیره															
۱۴- فرمانروایی- بعضی اوقات- جنبش															
۱۵- پدیده سریع و ناگهانی جریان یافتن برف سطح شیب‌دار به سوی پایین- خلاقت و نوآوری															

- از خواهران برونه- یار همایون- کشور اروپایی
- دانش‌ها- خجسته- پهلوان
- دشمن- واضح- ساز هفت‌بند- یک بخش از زمان
- رنگ میان سیاه و کبود- شیفته- سیمان قدیمی
- ساقه جدولی- آرزو، هدف- جوژ
- کتاب قطب الدین شیرازی- به معنی «هلف درخت» است

▼عمودی:

- اثر مشهور استفن تسوایک- تخته‌مازیکی
- پر- امر ماندن- یاز پسین
- چاشنی صبحانه- خنجر- پیرزن
- درس نخوانده- آشکار کردن- چاشنی معطر- شایسته
- نرمی- بلندآوازه- خاک بتونه
- محبت- باران منجمد- لب از سخن فروسته
- ماتیک- رنگ قهوه‌ای روشن- دختر خالدار
- بی‌باکی- تخته شکسته‌بندی- نوشته شده
- علم و فرهنگ- دینامیک- یازده
- فروغ- شهر قلعه رودخان- درنده

۱۱- مغز با هسته اصلی
چیزی- شهری در غرب
استان خوستان- امرنوشین

۱۲- پیسوند نگاه دارنده-
نشانه اسم مصدر- همین
حالا- یازبکی سرشناس
لیزیول

۱۳- طبیعی- مخففا کنون-
راه فرار

۱۴- قلمدان- رهاورد زازله-
یکی از دروازه حواری مسیح

۱۵- عنوان داستانی از
«دیو دو مایسان»- ابزاری
آزمایشگاهی

حل جدول ویژه شماره ۶۱۲۰

	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	ا	س	ا	ز	ا	ا	ب	ی	ا	م	ی	ا	س	ز	ا
۲	ا	س	ا	ز	ا	ا	ب	ی	ا	م	ی	ا	س	ز	ا
۳	ا	س	ا	ز	ا	ا	ب	ی	ا	م	ی	ا	س	ز	ا
۴	ا	س	ا	ز	ا	ا	ب	ی	ا	م	ی	ا	س	ز	ا
۵	ا	س	ا	ز	ا	ا	ب	ی	ا	م	ی	ا	س	ز	ا
۶	ا	س	ا	ز	ا	ا	ب	ی	ا	م	ی	ا	س	ز	ا
۷	ا	س	ا	ز	ا	ا	ب	ی	ا	م	ی	ا	س	ز	ا
۸	ا	س	ا	ز	ا	ا	ب	ی	ا	م	ی	ا	س	ز	ا
۹	ا	س	ا	ز	ا	ا	ب	ی	ا	م	ی	ا	س	ز	ا
۱۰	ا	س	ا	ز	ا	ا	ب	ی	ا	م	ی	ا	س	ز	ا
۱۱	ا	س	ا	ز	ا	ا	ب	ی	ا	م	ی	ا	س	ز	ا
۱۲	ا	س	ا	ز	ا	ا	ب	ی	ا	م	ی	ا	س	ز	ا
۱۳	ا	س	ا	ز	ا	ا	ب	ی	ا	م	ی	ا	س	ز	ا
۱۴	ا	س	ا	ز	ا	ا	ب	ی	ا	م	ی	ا	س	ز	ا
۱۵	ا	س	ا	ز	ا	ا	ب	ی	ا	م	ی	ا	س	ز	ا